

افغانستان آزاد - آزاد افغانستان

AA-AA

بدين بوم وبر زنده يك تن مباد
چو کشور نباشد تن من مباد
از آن به که کشور به دشمن دهيم
همه سر به سرت تن به کشتني دهيم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary -Cultural

البي - فرهنگي

نعمت الله مختارزاده
شهر، اسن، المان
۲۰۰۸ سپتامبر ۱۸

دست اميد

به باع خاطره ام ، ناگهان گلی روئید
جهان عشق به رویم چو غنچه ها خنید
خزان عمر مرا ، ناگهان بهاران کرد
نوید زندگی و زنده ماندنم بخشید
جهان ، جهان دگر ، روز ، روزگار دگر
تن علیل مرا ، روح جاودانه دمید
زلال کوثر عشق ، از کف الهه شعر
خمارش از ازلم ، تا ابد ز سر نپرید
کمان قامت خم گشته ام ، شدی چون سرو
نسیم صبح وصالش ، چه شاعرانه وزید
جهان معطر و عالم همه معنبر شد
به کام تشنۀ هجران ، شراب وصل چکید
حديث و آیه وحدت ، ز هر طرف نازل
صراط و جنت و دوزخ ، ز رخ حجاب درید
دگر نه بیم جهنم ، نه شوق حور و بهشت
چرا که دست اميدم ، به زلف یار رسید
ولی دریغ که میراث جهل و کینه و بغض
چه ظالمانه ز ما برگ و بار و ریشه بُرید
بسان گرگ و پلنگ و شغال و چون کفتار
مکیده خون دل و ، پاره کرده سینه جوید

گهی به جور و جفاو ، گهی به ظلم و ستم
گهی چونگی و گاهی چو کچه مار گزید
چه ضرب نیش و چه ثند زبان و تلخ سخن
ز جام و ساغر بیداد این زمانه چشید
دلم به شوری دست و ، به بخت بد سوزد
نکشته دانه ، ثمر مفت و رایگان سوزید
به چشم و گوش و زبان نیست کار ما «نعمت»
که دید و گفت و شنید و ، به هر که دل بازید